



## ترکیب اتحادی علوم تربیتی

پدیدآورنده (ها) : اعرافی، استاد علی‌رضا؛ موسوی، سیدنقی  
علوم اجتماعی :: نشریه علوم انسانی اسلامی صدرا :: پاییز 1394 - شماره 15  
از 114 تا 119  
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1744346>

دانلود شده توسط : س موسوی  
تاریخ دانلود : 01/04/1400

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تالیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

# ترکیب اتحادی علوم تربیتی<sup>۱</sup>

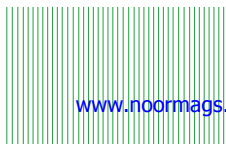
استاد علی رضا اعرافی\*، سید نقی موسوی\*\*

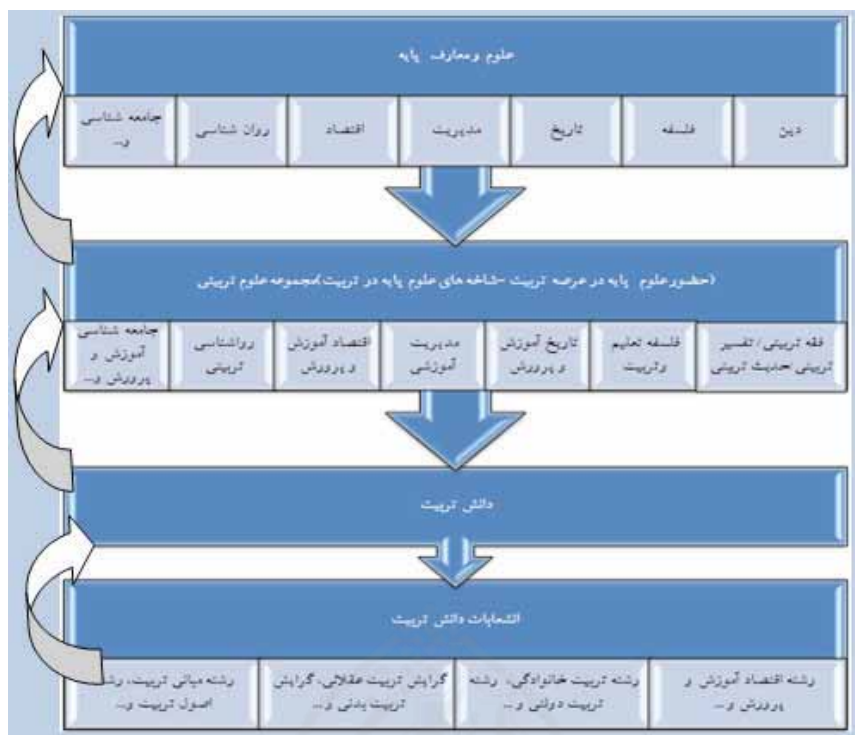
در باب نسبت رشته‌های شانزده یا بیست‌گانه علوم تربیتی با یکدیگر و هویت واحد و منسجم یا هویت چندپاره آنها، دو دیدگاه وجود دارد: ترکیب اتحادی و ترکیب انضمامی. نوشتار حاضر در داوری میان این دو، ضمن تفکیک وضع موجود از وضع مطلوب «علوم تربیتی»، ترکیب اتحادی رشته‌های علوم تربیتی را نابالغ می‌داند و برای سامان بخشی به مطالعات تربیتی و مدیریت تولید علم در میان این علوم، «دانش تربیت» را پیشنهاد داده و ضرورت، تعریف و عناصر آن را تبیین کرده است. «دانش تربیت» با نگاهی جامع به ابعاد تربیت با رویکرد چندروشی، دستاوردهای مطالعات تربیتی در رشته‌های گوناگون را گردآوری و سامان‌دهی کرده، توصیفات و تجویزاتی همه‌جانبه عرضه می‌کند.

## مقدمه

درباره تربیت و علوم تربیتی پرسش‌های متعددی وجود دارد؛ برای نمونه: آیا تربیت، علم است یا هنر؟ اگر صرفاً هنر نیست و می‌توان قوانین حاکم بر تربیت را شناسایی، کنترل، نظارت و پیش‌بینی کرد، آیا در تور تعریف علم تجربی باقی می‌ماند؟ پرسش دیگر این است که آیا علوم تربیتی، مجموعه‌ای از معارف کنار هم چیده شده است و ترکیبی انضمامی دارد و یا دارای هویتی واحد و مستقل شده است؟ نوشتار حاضر، پاسخ پرسش اخیر را پیگیری می‌کند که آیا رشته‌ها و گرایش‌های موجود علوم تربیتی، هویتی واحد یافته‌اند یا اینکه همچون جزایری مستقل، کنار هم قرار دارند؟ پیگیری این پرسش، از آنجا ضرورت می‌یابد که برای

مدیریت تولید علم و رصد کردن ضعف‌ها و قوت‌های مطالعات تربیتی و بازخوانی اولویت‌های پژوهشی و غیره، باید وضع موجود علوم تربیتی، نظریات تربیتی و پارادایم حاکم بر آن بازشناسی شود و حرکت کلان مطالعات تربیتی و سازگاری آن با اهداف کلان و نظام‌وارگی آن بررسی گردد. برخی، دلیل عقب‌ماندگی پژوهش‌های تربیتی را ماهیت میان‌رشته‌ای گرایش‌های مختلف این رشته (مانند روان‌شناسی تربیتی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و...) و اینکه در آغاز، مجموعه رشته‌های علوم تربیتی را صاحب‌نظران دیگر رشته‌ها تأسیس کرده‌اند، می‌دانند و تأکید می‌کنند که فعالیت علمی مربیان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و پویایی علمی خود آنها، می‌تواند به این وضعیت خاتمه دهد.<sup>۲</sup>





شکل ۱: سیر تولید دانش تربیت و زیرشاخه‌های آن

به عبارت دیگر، برخی بر این باورند که ترکیب مجموعه معارف و دانش‌ها در علوم تربیتی، از باب «ترکیب انضمامی» است و در برابر، دیدگاه دیگری معتقد است که با توجه به پیشرفت‌های پژوهش‌های تربیتی، علوم تربیتی به بلوغ رسیده و ترکیب گرایش‌های متکثر آن، از باب «ترکیب اتحادی» است.

گفتنی است دو دیدگاه ترکیب انضمامی و اتحادی، طرفدارانی دارد که در ویراست پیشین این مقاله با عنوان «دانش تربیت؛ وضعیت مطلوب علوم تربیتی» مطرح شده و برای رعایت اختصار به آن گفتار ارجاع می‌شود؛ در ادامه پس از تشریح سیر تکوین و وضع موجود علوم تربیتی، دیدگاه مقبول تبیین خواهد شد.

#### سیر تکوین و وضع موجود علوم تربیتی

درباره سیر تکوین علوم تربیتی باید گفت تا اوایل قرن بیستم، مطالعه علمی مسائل آموزش و پرورش معمول نبود و پژوهش‌های تربیتی به تفکرات فلسفی و مطالعات تاریخی و مبادله تجربه‌های روزمره در این زمینه محدود می‌شد. رفته‌رفته دانشمندان رشته‌های نزدیک به علوم تربیتی، مانند روان‌شناسی،

باید توجه داشت که تولد گرایش‌های نو از دیگر دانش‌ها و تمرکز بر حوزه تعلیم و تربیت و پرشمار شدن شاخه‌های علوم تربیتی، در عین اینکه دامنه تحقیق در جنبه‌های مختلف آموزش و پرورش را وسعت بخشیده و دیدگاه‌هایی نو پدید آورده و فهم امور مربوط را عمیق‌تر ساخته است، نتایجی منفی نیز به همراه داشته است که مهم‌ترین آن، دور شدن متخصصان رشته‌های گوناگون از یکدیگر و افزایش اختلاف‌ها و گرایش به مبالغه در اهمیت رشته تخصصی خود و بی‌اعتمادی یا بی‌اعتنایی به دیگر تخصص‌ها یا دست‌کم گرفتن آنها از یک سو و دشوار شدن تبیین علمی درست و همه‌جانبه در این زمینه است.<sup>۳</sup>

بر این پایه، بحث‌هایی مطرح شده مبنی بر اینکه آیا علوم تربیتی صرفاً مجموعه‌ای از دانش‌های کنار هم چیده شده است و شاخص‌های دانش واحد مانند موضوع واحد، روش‌شناسی واحد، هدف واحد و ... را ندارد؛ یا اینکه علوم تربیتی به رغم جمع بودن اسم، مسامیش مفرد است و هویتی مستقل و واحد یافته است؟



### وضع مطلوب علوم تربیتی: دانش تربیت

در مقام قضاوت درباره دو دیدگاه ترکیب اتحادی و انضمامی، باید خاطر نشان کرد که دیدگاه ترکیب اتحادی از شواهد و مؤیدات بیشتری برخوردار است. نوشتار پیش رو ضمن تأیید هویت واحد و مستقل علوم تربیتی، در تلاش است تا با عمق بخشیدن به رویکرد «ترکیب اتحادی»، دیدگاهی جدید را عرضه کند.

به نظر می‌رسد علوم تربیتی موجود، هنوز به بلوغ کافی نرسیده است. شاهد این مدعا این است که هنوز نظریه‌های جامع و کلان‌نگر در توصیف و تبیین تعلیم و تربیت و نیز تجویز در این باب، پا به عرصه نگذاشته‌اند تا با توجه به پیچیدگی موضوع تربیت و چندبعدی بودن آن، تحلیلی شمول‌گرا عرضه کرده باشند. بر این اساس، در وضع مطلوب، دانشی واحد با نام پیشنهادی «دانش تربیت» باید شکل گیرد. در نام پیشنهادی خود - «دانش تربیت» - به چند دلیل استناد می‌کنیم:

اول اینکه علوم تربیتی موجود را نابالغ می‌دانیم و برای تفکیک آن از علوم تربیتی مطلوب، از تعبیری دیگر به نام «دانش تربیت» استفاده می‌کنیم؛ دوم اینکه برای تأکید بر وحدت و استقلال این دانش پیشنهادی، از واژه جمع (علوم) استفاده نمی‌کنیم؛ سوم اینکه چون عبارت «دانش آموزش و پرورش» موهم جدایی آموزش از پرورش است، این ترکیب از دایره انتخاب خارج شد و برای دانش پیشنهادی جدید، از عبارت «دانش تربیت» استفاده شد. برای تبیین دیدگاه مختار، در ادامه در دو محور بحث می‌شود:

الف) از دانش تربیت و ضرورت تأسیس، تعریف و عناصر اصلی آن سخن به میان می‌آید. ب) همچنین درباره رابطه دانش تربیت و زیرشاخه‌ها و گرایش‌های تخصصی‌اش و نیز دانش‌های هم‌عرض آن گفت‌وگو می‌شود.

### دانش تربیت: ضرورت، تعریف و عناصر آن

گفته شد که مجموعه علوم تربیتی موجود، انسجام و اتحاد کافی و نگاه جامع در مطالعه تربیت را ندارد و هر رشته‌ای با روش‌شناسی و دغدغه‌های خاص خود به مطالعه و تبیین فرایند تعلیم و تربیت می‌پردازد. دستاوردهای رشته‌هایی چون روان‌شناسی پرورشی،

جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، روش تحقیق معمول در رشته خود را در مطالعه وقایع آموزش و پرورش به کار بردند و رشته‌های امروزی علوم تربیتی<sup>۴</sup> و دانش‌هایی با هویت میان‌رشته‌ای<sup>۵</sup> شکل گرفت. به این ترتیب، با حضور علوم و معارف پایه و نگاه تخصصی به عرصه آموزش و پرورش، مجموعه‌ای از علوم شانزده<sup>۶</sup> یا بیست‌گانه<sup>۷</sup> به نام «علوم تربیتی» ایجاد شد.

سیر پدیداری این دانش‌ها، نمایانگر آن است که مباحث تربیتی ابتدا به عنوان یک علم، استقلالی نداشت. علوم تربیتی در آغاز پیدایش و رشد، تنها به مطالعه علمی هنر آموزش تعریف می‌شد. برخی معتقدند: «علم تربیت که خطوط اساسی آن را لاپی به سال ۱۹۱۵ ترسیم شده می‌پنداشت، به آسانی مقبول واقع نشد. هفتاد سال بعد از آن تاریخ، بعضی از متخصصان هنوز عبارت علوم تربیتی را با احتیاط به کار می‌بردند. این قبیل مریبان، بر آن بودند که تعلیم و تربیت حرفه است نه علم. به بیان بهتر، تعلیم و تربیت، فن یا هنری کاربردی است که می‌کوشد حتی‌الامکان روش‌های علمی را در تحقیقات خود به کار برد. در این معنا، تعلیم و تربیت می‌تواند و باید روش‌های علوم اجتماعی مختلف را در بررسی پدیده‌های تربیتی به کار بندد؛ ولی به‌خودی‌خود علم یا خانواده‌ای از علوم به شمار نمی‌آید. در همین حال، متخصصانی که علم بودن پداگوژی را پذیرفته‌اند، فعلاً بر این باورند که علوم تربیتی از مجموع دیسیپلین‌هایی که واقعیت‌ها و موقعیت‌های مختلف تعلیم و تربیت را در بافت تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، فنی و سیاسی آنها پی‌جویی می‌کند، تشکیل می‌شود»<sup>۸</sup>.

با گذشت زمان و تراکم مطالعات، رفته‌رفته زمینه‌های استقلال حاصل شد. می‌لاره، با تکیه بر «مجموعه معارف بودن علوم تربیتی» آن را «مجموعه معارفی می‌داند که شرایط وجود و کارکرد و تحول وضعیات و وقایع تربیت را مطالعه می‌کند»<sup>۹</sup>. به عبارت دیگر، اگر بتوان عملکرد آموزش و پرورش، یا در یک کلمه تربیت را به اختصار، فرایند تغییر مطلوب رفتار آدمی تعریف کرد، دانش آموزش و پرورش یا به اصطلاح علوم تربیتی، مجموعه معارفی خواهد بود که به پژوهش و اندیشیدن در امور مربوط به این عملکرد یا فرایند می‌پردازد.<sup>۱۰</sup>



که دانشمند تربیتی و متخصص این عرصه، می‌کوشد مسائل گوناگون مربوط به آموزش و پرورش و ابعاد مختلف آن را مطالعه کند.

روش تحقیق در «دانش تربیت» با روش تحقیق در دیگر علوم انسانی تفاوت اساسی ندارد. نکته مهم، نوع نگاه به علوم و روش‌شناسی آنهاست. دیدگاه‌های پوزیتیویستی با اصرار بر تجربی بودن این علوم، روش تحقیق را به روش تجربی محدود می‌کنند؛ اما دانش تربیت، به دلیل چندوجهی بودن موضوع مطالعه‌اش، از همه روش‌های عقلی، نقلی، تجربی و شهودی بهره می‌گیرد؛ هرچند به دلیل دشواری پژوهش‌های جامع‌نگر، حضور پررنگ نگاه فلسفی و وحیانی در این مطالعات ضروری است.

هر دانشی بر اساس اهداف و غایاتی بنیان‌گذاری می‌شود. اهداف علم در واقع علت‌گایی آن به شمار می‌روند. هدف «دانش تربیت»، شناخت همه‌جانبه تربیت و عرضه توصیفات و تجویزاتی جامع است. **دانش تربیت؛ رابطه با زیرشاخه‌ها و دانش‌های هم‌عرض**

به نظر می‌رسد «دانش تربیت» (با مختصاتی که بیان شد) پس از تولد و رشد و بالندگی، شاهد تحولی درون‌دانشی باشد و حوزه‌های تخصصی و گرایش‌های زیرشاخه آن نیز به مرور زمان و زاویه گرفتن صاحب‌نظران و تمرکز بر عرصه‌ای خاص از آموزش و پرورش ظهور کنند. به عبارت دیگر، دانش تربیت که خود از ترکیب مجموعه معارف (علوم تربیتی) و

بدون در نظر گرفتن تعاملات انسانی و ارتباط‌های اجتماعی است و پژوهش‌های مردم‌شناختی و روانی جامعه‌شناسی مدرسه، از ابعاد اقتصادی و روانی فرایند تعلیم و تربیت غفلت می‌کند. البته اقتضای تخصص‌گرایی همین است؛ اما سخن در این است که پژوهش‌های پراکنده و گزارش‌های مجزا در مجموعه گرایش‌های علوم تربیتی، مانند جزایری جدا از هم نشسته‌اند. اقتضای توصیف و تبیینی واقع‌گرایانه، با توجه به پیچیدگی و چندوجهی بودن فرایند تربیت، این است که مجموعه تلاش‌های علمی در مجالی گردهم آیند و توصیفی جامع عرضه کنند.

چنانچه ملاک هویت و استقلال علوم را وحدت موضوع یا وحدت هدف یا سنخیت مسائل بدانیم، تولد «دانش تربیت» ضروری به نظر می‌رسد تا به‌سان علمی واحد و دانشی مستقل، همه مباحث مربوط به تعلیم و تربیت را درخود جای دهد. همان‌طور که گفته شد، این دیدگاه هم‌افزا، در باب وضعیت مطلوب علوم تربیتی است.

در هر صورت، دانش تربیت پس از شکل‌گیری، خود به شاخه‌ها و گرایش‌های گوناگون تقسیم می‌شود. به همین دلیل، می‌توان موضوع، روش تحقیق و هدف این دانش را مشخص کرد.

«انسان» موضوع تعلیم و تربیت است. در نتیجه، موضوع دانش تربیت، عبارت است از «فرایند تعلیم و تربیت»، واقعیت‌ها و موقعیت‌های تربیتی، یعنی معلم، شاگرد، محیط و تعامل بین آنها؛ به این معنا



تربیتی و یا بر اساس همان الگوی علوم تربیتی. با توجه به تمایز موضوع این سه سطح دانشی (مجموعه علوم تربیتی، «دانش تربیت» و «انشعابات دانش تربیت»)، تفاوت آنها در محمول و دستاوردهای علمی و نظری نیز روشن می‌شود.

برای نمونه اقتصاد آموزش و پرورش به عنوان رشته‌ای از مجموعه علوم تربیتی با اقتصاد آموزش و پرورش به عنوان زیرشاخه‌ای از «دانش تربیت»، متفاوت است. در «دانش تربیت»، نگاه جامع، حاکم است و به تبع در زیرشاخه‌هایش؛ اما در رشته‌های علوم تربیتی، این گونه نیست. در اقتصاد آموزش و پرورش به عنوان رشته‌ای از علوم تربیتی، دیدگاه‌های اقتصاددان در عرصه تعلیم و تربیت اجرا می‌شود و چه بسا نکته‌های تربیتی، روان‌شناختی، فلسفی و ... در نظر گرفته نمی‌شود؛ برخلاف اقتصاد آموزش و پرورش به عنوان انشعابی از «دانش تربیت».

هدف «دانش تربیت» شناخت همه‌جانبه تربیت، و محمولش نیز ناظر به همان است؛ برخلاف مآل هر گرایش از گرایش‌های علوم تربیتی که محدود به حوزه تخصصی خود است و تخصص‌گرایی در بعدی از اهداف تربیت، تجلی می‌کند.

روش تحقیق در «دانش تربیت»، چندوجهی و فراروشی است و از همه روش‌های عقلی، نقلی، شهودی و تجربی بهره می‌گیرد؛ برخلاف گرایش‌های علوم تربیتی که گاه به یک روش بسنده می‌کنند.

داد و ستد میان «دانش تربیت» با علوم تربیتی و انشعابات «دانش تربیت»، باید همیشگی و دوسویه باشد تا برآیند رشد و بالندگی در علوم تربیتی و انشعابات «دانش تربیت»، در پیشرفت «دانش تربیت» و عرضه تحلیل‌هایی جامع‌تر و نیز تجویزاتی همه‌جانبه‌نگر ظاهر شود.

شایان ذکر است که ماهیت «دانش تربیت»، ضمن داشتن صبغه توصیفی، بیشتر ماهیتی تجویزی است؛ به این معنا که «دانش تربیت»، دستاوردهای علوم تربیتی را دریافت می‌کند و با هم‌افزایی و احتمالاً حذف و اصلاح و کاستن و تغییر دادن آنها، در سامانه‌ای جامع، تربیت را تبیین، و بر اساس آن، تجویزاتی صادر می‌کند؛ برای مثال ایده «شاگردمحوری» را دریافت می‌کند و با محدود کردن گستره این ایده، آن را به

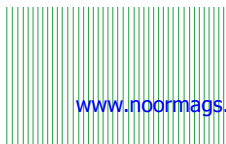
مطالعات درباره تربیت شکل گرفته، در چشم‌اندازی دوردست، با گردآوری همه پژوهش‌ها، دستاوردهای علمی و فکری را در سامانه‌ای واحد خواهد گنجاند و تبیین و تحلیلی جامع عرضه خواهد کرد.

با رشد تدریجی و گسترده شدن مطالعات در «دانش تربیت» بار دیگر انشعابات از این دانش، به اقتضای تخصص‌گرایی تولید خواهد شد که بر اساس معیارهایی می‌توانند گرایش و دیسپلینی را تولید کنند. روشن است همان‌گونه که دستاوردهای جدید معرفتی علوم پایه، بر علوم تربیتی و سپس بر دانش تربیت و در ادامه، بر انشعابات دانش تربیت تأثیرگذارند، به همین قیاس، یافته‌های نو در انشعابات دانش تربیت می‌تواند در دانش تربیت یا علوم تربیتی و یا حتی علوم پایه، تأثیراتی بر جای نهد و به این ترتیب، داد و ستد در سطوح چهارگانه به صورت رفت و برگشت ادامه یابد. (ر.ک: شکل شماره ۱)

در نمودار پیش، ملاحظه می‌شود که مطالعه فرایند تربیت در سه سطح امکان‌پذیر است و باید تفاوت علوم تربیتی با «دانش تربیت» و نیز تفاوت این دو با انشعابات «دانش تربیت» روشن شود.

موضوع دانش تربیت، مانند مجموعه علوم تربیتی، فرایند تربیت است؛ اما نگاهی جامع و فرابخشی بر آن حاکم است؛ یعنی شناخت فرایند تربیت، با توجه به جنبه‌های روانی، اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی، فلسفی، اخلاقی، دینی و ... به عبارت دیگر موضوع دانش تربیت، «تربیت مطلق» است نه «تربیت مقید». بر این اساس، موضوع جامعه‌شناسی آموزش و پرورش (به عنوان رشته‌ای از «علوم تربیتی»)، جامعه مدرسه‌ای است نه مطلق جامعه و نه مطلق تربیت؛ اما موضوع «دانش تربیت»، «تربیت مطلق و جامع» است. اقتضای مطالعه در «دانش تربیت» این است که مجموعه تخصص‌ها و دانش‌ها در شناختی نظام‌مند از تربیت به خدمت گرفته شود. به همین ترتیب، موضوع انشعابات دانش تربیت نیز «تربیت جامع» است؛ به‌علاوه تمرکز بر عرصه‌ای خاص.

همان‌طور که در نمودار پیشین نمایش داده شده، انشعابات «دانش تربیت» می‌تواند بر اساس چندین ملاک صورت گیرد؛ یا بر اساس مدل نظام تربیتی و یا بر اساس ساحت‌های تربیت و یا با معیار نهادهای



**«انسان» موضوع تعلیم و تربیت است. در نتیجه، موضوع دانش تربیت، عبارت است از «فرایند تعلیم و تربیت»، واقعیت‌ها و موقعیت‌های تربیتی، یعنی معلم، شاگرد، محیط و تعامل بین آنها؛ به این معنا که دانشمند تربیتی و متخصص این عرصه، می‌کوشد مسائل گوناگون مربوط به آموزش و پرورش و ابعاد مختلف آن را مطالعه کند.**

استقلال از دانش‌های میان‌رشته‌ای موسوم به «علوم تربیتی»، در عین حفظ ارتباط و داد و ستد یافته‌های مطالعاتی با آن‌ها؛  
- موضوع این دانش عبارت است از «تربیت مطلق» و «تربیت جامع»، نه «تربیت مقید». ■

**پی‌نوشت**

- \* مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم و رئیس جامعه المصطفی العالمیه  
\*\* دانشجوی دکتری، جامعه المصطفی العالمیه  
۱. نوشتار حاضر در مجال پیشین، با نام «دانش تربیت؛ وضعیت مطلوب علوم تربیتی» در فصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی (شماره ۶، ۱۳۹۰، صص ۵۷-۶۷) به چاپ رسیده و اینک در این مجال، با تلخیص فراوان، ویرایش نو و تغییرات محتوایی، بازنشر می‌شود.  
۲. بیاز، ژان، روان‌شناسی و دانش آموزش و پرورش، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، صص ۱۳-۱۵.  
۳. کاردان، علی محمد، «علوم تربیتی: مطالعات میان‌رشته‌ای»، نشریه سخن سمت، ش ۴، ۱۳۷۷، ص ۹.  
۴. کاردان، علی محمد، «علوم تربیتی: مطالعات میان‌رشته‌ای»، نشریه سخن سمت، ص ۸-۹.

**5. interdisciplinaire**

۶. میلاره، گاستون، معنا و حدود علوم تربیتی، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.  
۷. جمعی از نویسندگان، علوم تربیتی، ماهیت و قلمرو آن، زیر نظر علی محمد کاردان، تهران، سمت، ۱۳۸۰.  
۸. شکوهی، غلام‌حسین، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد، به‌نشر، ۱۳۷۸، ص ۵۹.  
۹. میلاره، گاستون، معنا و حدود علوم تربیتی، ص ۲۲.  
۱۰. جمعی از نویسندگان، علوم تربیتی، ماهیت و قلمرو آن، ص ۱.  
۱۱. روشن است که علوم پایه، شامل دین نیست. دین در یک کاربرد، معنایی عام دارد که شامل همه عرصه‌هاست؛ نه در عرض فلسفه و علوم انسانی.  
۱۲. اعرافی، علی‌رضا، «مناسبات علم و دین ۲»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، ش ۱۳۷۹، ص ۲۲.

حقوق معلم مقید می‌سازد و در مقام تجویز، شاگردمحوری را تا جایی که حقوق معلمان مراعات شود، تجویز می‌کند.

البته روشن است که تجویزهای «دانش تربیت» بر توصیف مبتنی است و این‌گونه نیست که همه توصیفات را گرایش‌های علوم تربیتی تأمین کند؛ بلکه به اقتضای جامع‌نگری، ممکن است خود «دانش تربیت» به مسائلی جدید دست یابد و برای

توصیف و اعتبارسنجی آنها، وظیفه پژوهش را دوباره به علوم تربیتی یا به انشعابات «دانش تربیت» واگذار کند. تعیین سکولار یا دینی بودن «دانش تربیت» را باید بر اساس علوم و معارف پایه<sup>۱۱</sup> پی‌گرفت مبنی بر اینکه آیا دین در شمار منابع معرفتی است یا خیر؟ نمودار پیشین، دین را در شمار منابع معرفتی جای داده است. بنابراین دانش تربیت، دانشی سکولار نخواهد بود. هر چند در تبیین اینکه علم دینی چیست و چه میزان از حضور معارف دینی موجب می‌شود که «دانش تربیت»، دانشی دینی تلقی شود، دیدگاه‌هایی وجود دارد که مجال بیان آنها نیست.<sup>۱۲</sup> به هر صورت، ملاحظه می‌شود که با کمی تسامح، دین در سطح علوم پایه قرار گرفته و محصول حضور اسلام در عرصه تعلیم و تربیت، می‌تواند دانش‌هایی میان‌رشته‌ای مانند فقه تربیتی، تفسیر تربیتی، حدیث تربیتی، فلسفه تربیتی اسلام و... باشد.

**نتیجه‌گیری**

در پاسخ به پرسش از «ترکیب اتحادی و یا انضمامی مجموعه علوم تربیتی»، نوشتار حاضر با تفکیک وضعیت موجود از وضعیت مطلوب علوم تربیتی و با تمایل به دیدگاه ترکیب اتحادی در وضعیت موجود، در باب وضعیت مطلوب پیشنهاد می‌دهد که «دانش تربیت» با این مشخصه‌ها ایجاد شود:

- نگاه جامع و فراگیر به همه ابعاد فرایند تربیت و نظرداشت پیچیدگی‌ها و چندوجهی بودن مسائل تربیتی،
- انتخاب نگاه چندروشی در پژوهش‌های تربیتی و عبور کردن از حصار تک‌روشی در این زمینه؛
- کسر و انکسار نتایج مطالعات تربیتی و سپس تبیین و تجویزی همه‌جانبه‌نگر از مسائل تربیتی؛